مشق رسم در مدارس ابتدایی؛ خط‌کشی که جای نگاه را تنگ کرد

نوشتهٔ هانیه رضوانی‌فر، دبیر سابق هنر و طراح برنامه‌های درسی

در بسیاری از مدارس ابتدایی، ساعت هنر همان ساعتی است که دانش‌آموز منتظر می‌ماند تا نفس بکشد. معلم می‌آید، کاغذ را پخش می‌کند و می‌گوید: «امروز یک خانه بکشید با یک درخت و یک خورشید.» همه شروع می‌کنند. پنج دقیقه بعد، همه کارها شبیه هم شده‌اند. نه به این دلیل که بچه‌ها تنبل‌اند، بلکه چون از همان ابتدا یاد گرفته‌اند که مهم نیست چه می‌بینند، مهم این است که چه چیزی را درست بکشند.

این مشق رسم نیست؛ تمرین اطاعت است. و متأسفانه بسیاری از ما بزرگ‌ترها هم با همین روش بزرگ شده‌ایم.

چرا خانه همیشه مثلث است؟

اگر از کودکان بخواهید خانه بکشند، تقریباً همه یک مثلث روی یک مربع می‌کشند. در و پنجره هم یا وجود ندارند یا دقیقاً وسط دیوار جا خوش کرده‌اند. این خانه نه جایی را می‌شناسد و نه کسی در آن زندگی می‌کند. چرا؟ چون هیچ‌کس هرگز واقعاً به خانه‌ها نگاه نکرده است.

در کلاس‌های ما، نگاه کردن جای خود را به کپی‌برداری داده است. کودک یاد گرفته که برای نمره، باید از روی نمونه بکشد، نه از روی دنیا. نتیجه این است که تخیل زود خسته می‌شود و کنجکاوی کم‌کم خاموش می‌شود.

خط‌کش، دشمن پنهان

یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های آموزش رسم، استفاده‌ی زودهنگام و گسترده از خط‌کش است. خط‌کش ابزار مهمی است، اما فقط زمانی که کودک بداند چرا به آن نیاز دارد. وقتی از همان سال اول دبستان همه‌چیز باید صاف و مستقیم باشد، دست بچه یاد می‌گیرد که از احساس خود فاصله بگیرد.

نتیجه این می‌شود که بسیاری از دانش‌آموزان در کلاس پنجم یا ششم از رسم کردن متنفر می‌شوند، نه به این دلیل که استعداد ندارند، بلکه چون هیچ‌وقت فرصت نداشته‌اند با دست آزاد خط بکشند، اشتباه کنند و دوباره امتحان کنند.

مشق رسم چگونه باید باشد؟

مشق خوب رسم، مشقی است که پاسخ درست ندارد. به‌جای خواستن یک نتیجه‌ی مشخص، می‌توان از کودک خواست چیزی را از چند زاویه بکشد، یا فقط خطوط یک صندلی را بدون نگاه کردن به کاغذ رسم کند. این تمرین‌ها شاید ظاهر زیبایی نداشته باشند، اما چشم و ذهن را آزاد می‌کنند.

مهم‌تر از همه، نمره نباید تنها انگیزه باشد. وقتی کودک بداند که کارش دیده می‌شود، حتی اگر کامل نباشد، دیگر از کشیدن فرار نمی‌کند. کلاس هنر باید جایی برای آزمایش باشد، نه جایی برای ترس.

معلم نقاش یا معلم ناظر؟

نقش معلم در این میان بسیار حساس است. معلمی که فقط نگاه می‌کند که کار تمام شده یا نه، بیشتر شبیه ناظر است تا راهنما. اما معلمی که کنار دست بچه می‌نشیند، سؤال می‌پرسد و همراه او فکر می‌کند، می‌تواند تجربه‌ای کاملاً متفاوت بسازد.

نیازی نیست همه‌ی معلمان هنر حرفه‌ای باشند. کافی است کمی صبر، کمی کنجکاوی و کمی شجاعت برای رها کردن کنترل داشته باشند. همین کافی است تا کلاس هنر از ساعتی خسته‌کننده به ساعتی زنده تبدیل شود.

پیشنهاد برای شروع

اگر می‌خواهید فردا تغییری کوچک ایجاد کنید، از یک تمرین ساده شروع کنید: از کودکان بخواهید فقط با خطوط منحنی یک فنجان را بکشند، بدون اینکه به کاغذ نگاه کنند. سپس درباره‌ی آن حرف بزنید. همین یک تمرین ساده می‌تواند نگاه بچه‌ها به رسم را برای همیشه عوض کند.

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی ۱۱ ستون ۴

مشق رسم در مدارس ابتدایی؛ خط‌کشی که جای نگاه را تنگ کرد

نوشتهٔ هانیه رضوانی‌فر، دبیر سابق هنر و طراح برنامه‌های درسی

در بسیاری از مدارس ابتدایی، ساعت هنر همان ساعتی است که دانش‌آموز منتظر می‌ماند تا نفس بکشد. معلم می‌آید، کاغذ را پخش می‌کند و می‌گوید: «امروز یک خانه بکشید با یک درخت و یک خورشید.» همه شروع می‌کنند. پنج دقیقه بعد، همه کارها شبیه هم شده‌اند. نه به این دلیل که بچه‌ها تنبل‌اند، بلکه چون از همان ابتدا یاد گرفته‌اند که مهم نیست چه می‌بینند، مهم این است که چه چیزی را درست بکشند.

این مشق رسم نیست؛ تمرین اطاعت است. و متأسفانه بسیاری از ما بزرگ‌ترها هم با همین روش بزرگ شده‌ایم.

چرا خانه همیشه مثلث است؟

اگر از کودکان بخواهید خانه بکشند، تقریباً همه یک مثلث روی یک مربع می‌کشند. در و پنجره هم یا وجود ندارند یا دقیقاً وسط دیوار جا خوش کرده‌اند. این خانه نه جایی را می‌شناسد و نه کسی در آن زندگی می‌کند. چرا؟ چون هیچ‌کس هرگز واقعاً به خانه‌ها نگاه نکرده است.

در کلاس‌های ما، نگاه کردن جای خود را به کپی‌برداری داده است. کودک یاد گرفته که برای نمره، باید از روی نمونه بکشد، نه از روی دنیا. نتیجه این است که تخیل زود خسته می‌شود و کنجکاوی کم‌کم خاموش می‌شود.

خط‌کش، دشمن پنهان

یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های آموزش رسم، استفاده‌ی زودهنگام و گسترده از خط‌کش است. خط‌کش ابزار مهمی است، اما فقط زمانی که کودک بداند چرا به آن نیاز دارد. وقتی از همان سال اول دبستان همه‌چیز باید صاف و مستقیم باشد، دست بچه یاد می‌گیرد که از احساس خود فاصله بگیرد.

نتیجه این می‌شود که بسیاری از دانش‌آموزان در کلاس پنجم یا ششم از رسم کردن متنفر می‌شوند، نه به این دلیل که استعداد ندارند، بلکه چون هیچ‌وقت فرصت نداشته‌اند با دست آزاد خط بکشند، اشتباه کنند و دوباره امتحان کنند.

مشق رسم چگونه باید باشد؟

مشق خوب رسم، مشقی است که پاسخ درست ندارد. به‌جای خواستن یک نتیجه‌ی مشخص، می‌توان از کودک خواست چیزی را از چند زاویه بکشد، یا فقط خطوط یک صندلی را بدون نگاه کردن به کاغذ رسم کند. این تمرین‌ها شاید ظاهر زیبایی نداشته باشند، اما چشم و ذهن را آزاد می‌کنند.

مهم‌تر از همه، نمره نباید تنها انگیزه باشد. وقتی کودک بداند که کارش دیده می‌شود، حتی اگر کامل نباشد، دیگر از کشیدن فرار نمی‌کند. کلاس هنر باید جایی برای آزمایش باشد، نه جایی برای ترس.

معلم نقاش یا معلم ناظر؟

نقش معلم در این میان بسیار حساس است. معلمی که فقط نگاه می‌کند که کار تمام شده یا نه، بیشتر شبیه ناظر است تا راهنما. اما معلمی که کنار دست بچه می‌نشیند، سؤال می‌پرسد و همراه او فکر می‌کند، می‌تواند تجربه‌ای کاملاً متفاوت بسازد.

نیازی نیست همه‌ی معلمان هنر حرفه‌ای باشند. کافی است کمی صبر، کمی کنجکاوی و کمی شجاعت برای رها کردن کنترل داشته باشند. همین کافی است تا کلاس هنر از ساعتی خسته‌کننده به ساعتی زنده تبدیل شود.

پیشنهاد برای شروع

اگر می‌خواهید فردا تغییری کوچک ایجاد کنید، از یک تمرین ساده شروع کنید: از کودکان بخواهید فقط با خطوط منحنی یک فنجان را بکشند، بدون اینکه به کاغذ نگاه کنند. سپس درباره‌ی آن حرف بزنید. همین یک تمرین ساده می‌تواند نگاه بچه‌ها به رسم را برای همیشه عوض کند.

ادامه‌ی مطلب در صفحه‌ی ۱۱ ستون ۴

پیمانه | دوره‌ی ۱۹ | شماره‌ی ۸ | پیاپی ۲۲۶ | ۱۶ صفحه | ۱۹ مهر ۱۴۰۲ | ۶۵۶ تومان

- سرمقاله: چرا کتاب‌خانه‌های محله خلوت‌اند — ۲
- گزارش: ۱۲ مدرسه‌ی تازه‌ساز در ۱۴۰۲ — ۳
- مشق رسم در مدارس ابتدایی؛ خط‌کشی که جای نگاه را تنگ کرد — ۴
- گفت‌وگو با مدیر کتاب‌خانه‌ی سیمین‌دشت — ۵
- نامه‌ها: صدای دانش‌آموزان — ۶
- آگهی‌ها — ۷

شماره‌ی ثبت ۵۵۹۳۰۶۲ | شناسه‌ی نشریه ۳۵۳۲۱۲۷ | صفحه‌آرایی: نسرین وکیلی | چاپ: چاپخانه‌ی نقش‌آفرین، ۵۰۰ نسخه